
بسم الله الرحمن الرحيم

شرح جامع

تاریخ سیاست خارجی ایران از صفویه تا به امروز

«علوم سیاسی و روابط بین الملل»

مولف: جواد مددی

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس(منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی که شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای داوطلبان عزیز را پوشش داده است. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشـــــر

www.arshadbook. ir

پیشگفتار مولف

نظر به اینکه دانشجویان داوطلب آزمون کارشناسی ارشد علوم سیاسی، همـواره بـا انبـوهی از منـابع مطالعـاتی پراکنـده روبـرو بوده‌اند، اینجانب بر آن شدم تا با گردآوری کلیاتی از این منابع که شامل اهمّ مطالب می‌باشد به ایشان مدد رسانم .
امید آنکه این مجموعه گامی باشد، هر چند کوچک در راستای پیشرفت علمی دانشجویان عزیز.
در پایان از تمامی کسانی که مرا در گردآوری این مجموعه یاری رساندند تشکر می‌نمایم.

با سپاس
جواد مددی
کارشناس ارشد علوم سیاسی

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

پیشگفتار ناشر ۳
پیشگفتار مؤلف ۴

بخش اول: سیاست خارجی ایران از ابتدای صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم

پیشگفتار ۹
فصل اول: دوران جنگهای ایران و عثمانی، از قیام شاه اسماعیل صفوی تا عهدنامه صلح استانبول (۱۵۰۰-۱۵۹۰) ۱۱
فصل دوم: دوران شکوه و عظمت، از استرداد سرزمینهای از دست رفته تا عهدنامه صلح قصر شیرین (۱۵۹۸-۱۶۳۹) ۲۱
فصل سوم: دوران آرامش، از صلح عثمانی تا سقوط اصفهان (۱۶۳۹-۱۷۲۲) ۳۱
فصل چهارم: دوران پرآشوب، از سقوط صفویه تا استقرار قاجاریه (۱۷۲۲-۱۷۹۵) ۳۹
فصل پنجم: دوران جنگ‌های ایران و روسیه، از فتح تفلیس تا معاهده ترکمانچای (۱۷۹۵-۱۸۲۸) ۵۱
فصل ششم: دوران اختلافات ایران و انگلیس، از شورش هرات تا معاهده‌ی صلح پاریس (۱۸۳۰-۱۸۵۷) ۶۳
فصل هفتم: دوران رقابتهای استعماری، از جدایی ترکستان، بلوچستان تا قرارداد تقسیم ایران به مناطق نفوذ (۱۸۶۰-۱۹۰۷) ۷۱
فصل هشتم: دوران اشغال نظامی ایران، دوران اشغال نظامی ایران، از کودتای محمدعلی شاه تا کودتای سوم اسفند (۱۹۰۸-۱۹۲۱) ۸۲

بخش دوم: سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی

فصل اول: ایران در فاصله دو جنگ (۱۲۹۷-۱۳۱۸) ۹۵
فصل دوم: دوران جنگ دوم جهانی (۱۳۱۸-۱۳۲۴) ۱۰۶
فصل سوم: سالهای جنگ سرد (۱۳۲۴-۱۳۳۰) ۱۱۶
فصل چهارم: سیاست موازنه منفی (۱۳۳۰-۱۳۳۲) ۱۲۸
فصل پنجم: وابستگی به بلوک غرب (۱۳۳۲-۱۳۴۲) ۱۳۷
فصل ششم: سالهای تنش‌زدایی (۱۳۴۲-۱۳۵۱) ۱۴۹
فصل هفتم: ژاندارم منطقه (۱۳۵۱-۵۷) ۱۶۵

بخش سوم: سیاست خارجی ایران (۱۳۲۰-۵۷)

فصل اول: ساختارها و جهت‌گیری‌ها ۱۸۳
فصل دوم: چرا ایران اشغال شد؟ ۱۹۴
فصل سوم: روابط خارجی ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۰) ۲۰۲
قسمت اول: ایران درجنگ (۱۳۲۰-۲۴) ۲۰۲
قسمت دوم: ایران در سال های پس از جنگ (۱۳۲۴-۱۳۳۰) ۲۱۰
فصل چهارم: سیاست موازنه منفی (۱۳۳۰-۱۳۳۲) ۲۲۳

عنوان **صفحه**

فصل پنجم: ناسیونالیسم مثبت، شکل گیری سیاست خارجی (۴۲-۱۳۳۲)..... ۲۳۳
فصل ششم: سیاست مستقل ملی..... ۲۴۴
قسمت اول: وضعیت سیاسی ایران دهه ۱۳۴۰ ..... ۲۴۴
قسمت دوم: ایران در سالهای تحکیم وابستگی دهه ۱۳۵۰ ..... ۲۴۹
قسمت سوم : روابط ایران با همسایگان و هم پیمانان..... ۲۵۷

بخش اول

تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم

عناوین اصلی

- فصل اول: دوران جنگ‌های ایران و عثمانی
- فصل دوم: دوران شکوه و عظمت
- فصل سوم: دوران آرامش
- فصل چهارم: دوران پرآشوب
- فصل پنجم: دوران جنگ‌های ایران و روسیه
- فصل ششم: دوران اختلافات ایران و انگلیس
- فصل هفتم: دوران رقابتهای استعماری
- فصل هشتم: دوران اشغال نظامی ایران

پیشگفتار

از سال ۶۵۱ میلادی که یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی در مرو به قتل رسید، تا سال۱۵۰۲ کـه شـاه اسـماعیل صـفوی در تبریز به تخت سلطنت نشست کشور ما از داشتن استقلال کامل و وحدت ملی و تمامیت ارضی محروم بـود و غالبـاً تحـت نفـوذ خلفای دمشق و بغداد ،امرای دست نشاندهی محلی یا سلاطین بیگانه نژاد به سر می برد.

این دورهی هشتصد و پنجاه ساله را از لحاظ روابط خارجی به سه مرحله می توان تقسیم کرد :

- دورهی تسلط اعراب ۶۵۱-۸۲۰ (۳۱-۲۰۵ ه.ق): در این دوران کشور مـا تحـت سـلطه ی سیاسـی و مـذهبی فاتحـان مسلمان در آمده بود و قسمتی از امپراتوری بزرگ اسلامی را تشکیل می داد.
- دوران امیران و پادشاهان محلی ۸۲۰-۱۲۵۸(۲۰۵-۶۵۶ ه . ق): بتدریج حکمرانان ایالات ایران به صورت مـوروثی در آمدند .درسال ۸۲۰ با انتصاب ذوالیمینین از طرف مامون خلیفه عباسـی بـه سـمت حکمـران خراسـان و افغانـستان و ماورالنهر یک سلسله محلی ایرانی در غرب ایران بوجود آمد و اساس نخستین حکومت ملی را بنا نهاد.
- دورهی تسلط مغولان و تاتاران ۱۲۵۸-۱۵۰۲ (۶۵۶-۹۰۷ ه . ق) : هنگامی که در سال ۱۲۵۸هلاکوخان مغول بغداد را تصرف کرد و آخرین خلیفه ی عباسی را به قتل رسانید به سلطنت اسمی و ظاهری خلفا بر ایران خاتمه داده شد .

در چنین اوضاع واحوالی که ایران از سه طرف نیز (ترکان عثمانی از غرب ، دریانوردان پرتغالی از جنـوب ، طوایـف ازبـک و ترکمن از سمت آسیای مرکزی و خراسان) مورد تهدید قرار گرفته بود یکی از فرزندان رشید و با ایمان این سرزمین به نام شـاه اسماعیل صفوی علیه مهاجمین و بیگانگان قیام کرد و پس از سیزده سال جنگ و ستیز توانست استقلال و تمامیت ارضی ایران را تامین نماید و بعد از هشتصد و پنجاه سال که از سقوط ساسانیان می گذشت یک سلسله ی مستقل ایرانـی تاسـیس کنـد. از این تاریخ روابط سیاسی و بازرگانی ایران با دولتهای خارجی به صورت منظمی در آمد و اعزام سفیر به دربار سلاطین خـارجی و پذیرفتن سفرای بیگانه مرسوم گردید. مناسبات سیاسی ایران با دول خارجی طی۴۵۰سـال گذشـته را مـی تـوان بـه دو دورهی مشخص و متمایز تقسیم کرد:

الف) از روی کار آمدن سلسلهی صفوی تا پایان قرن هجدهم۱۵۰۲-۱۸۰۰(۹۰۷-۱۲۱۵ه.ق)

در این دوره مساعی زمامداران ایران بیشتر در راه حفظ و استقلال و تمامیـت ارضـی کـشور بـود. پادشـاهان صـفوی بـا رسـمی شناختن مذهب شیعه و جنگهای متناوب (۱۲۰سال)با ترکهای سنی مذهب عثمانی توانستندعهد نامه ی قـصر شـیرین (۱۶۳۹) را با آنها منعقد نمایند و صلحی را بوجود آورند که تا حدود یک قرن بعد دوام داشت. در این دوره ی سیصد ساله روابط ایران بـا کشورهای اروپایی نیز اصولاً بر اساس احترام متقابل و به منظور مبادلات تجاری بود.

ب) ورود ایران به صحنهی سیاست بین المللی و رقابت استعمار گران (۱۸۰۰-به بعد)

در این دوره با اوج گرفتن رقابتهای استعماری بین روسیه و انگلستان ،روسیه توانست پس از دو دوره جنگهای خـونین کـه متناوباً سی سال به طول انجامید در سال ۱۸۲۸ بـا انعقـاد عهـد نامـهی تـرکمن چـای عـلاوه بـر تـصرف ایالـت قفقـاز ،رژیـم کاپتیولاسیون را بر ایران تحمیل و قسمتی از حقوق ایران را به عنوان یک کشور مستقل سلب نماید. دولت انگلستان نیـز کـه از پیشروی روسها به سوی خلیج فارس و سرحدات هند نگران شده بود پس از آنکه توانست نظیر امتیازات روسـها را در ایـران بـه

دست آورده و هرات و بلوچستان را منتزع نماید سیاست خود را براساس ایجاد ایرانی ضعیف و دست نشانده برای حفظ سر حدات هند قرارداد . به این جهت در سراسر قرن نوزدهم ایران صحنه رقابتهای دو استعمارگر شده بود تا اینکه در برابر خطر امپراتوری آلمان دو دولت مزبور در سال ۱۹۰۷ با یکدیگر کنار آمده و ایران را به مناطق نفوذ خود تقسیم کردند.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و سقوط دولت روسیه ی تزاری خلئی در صحنه سیاست ایران بوجود آورد که انگلیسیها سعی کردند آن را با قرارداد تحت الحمایگی پر کنند . ولی تحولات بین المللی و مخالفت میهن پرستان ایران باعث شد که این نقشه ی شوم باطل گردد و استقلال ایران محفوظ بماند .

وقتی انگلیسی‌ها از اجرای قرار داد تحت الحمایگی ۱۹۱۹ مایوس شدند ، ترتیب کودتای سوم اسفند و روی کار آمدن رضاخان را دادند تا با تشکیل یک رژیم قوی و خود کامه ، طرح آنان را در ایجاد "کمربند بهداشتی " پیرامون روسیه شوروی تکمیل نماید . اما نزدیک شدن رضا شاه به هیلتر موجب شد که انگلیسیها نظرشان را نسبت به وی تغییر دهند و وقتی هیلتر به شوروی حمله کرد، انان دست دوستی به سوی شورویها دراز کرده و در شهریور ۱۳۲۰ مشترکاً به ایراین تجاوز نمایند و به رژیم بیست ساله رضاخان خاتمه دهند .

فصل اول

دوران جنگهای ایران و عثمانی

از قیام شاه اسماعیل صفوی تا عهدنامه صلح استانبول (۱۵۰۰-۱۵۹۰)

۱- اوضاع ایران در آغاز قرن شانزدهم میلادی

غرب ایران :در ۲۹ مه ۱۴۵۳ (۸۵۷ ه . ق)سلطان محمد دوم پادشاه عثمانی با فتح قسطنتنیه به عمر هزار ساله امپراتوری روم شرقی (بیزانس) خاتمه داد و فاتح لقب گرفت . وی تصمیم داشت که تمام کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله ایران را تسخیر کند و هر کس را که در برابرش کوچکترین مقاومتی نشان می داد از بین می‌برد.

جنوب ایران: پرتغالیها پس از استقرار در بندر گوا (هند) شروع به دست اندازی به نواحی اطراف نمودند . در تابستان ۱۵۰۷ (۹۱۳ ه . ق) دریا سالار پرتقالی آلبوکرک با ناوگانی مرکب از شش کشتی جنگی روانه ی خلیج فارس شد و پس از تصرف مسقط و عمان، جزیره ی هرمز و بندر گمبدون واقع در جنوب ایران را اشغال کرد و راه سیادت پرتغالیها بر ناحیه ی خلیج را هموار نمود .

شرق ایران : (خراسان) از جانب دیگر، طوایف ازبک و ترکمن از نواحی آسیای مرکزی و ترکستان مرتباً خراسان را مورد تجاوز و غارت قرار میدادندو چون با هیچ گونه مقاومتی روبرو نمی شدند در حملات خود جسورتر می گردیدند . به این ترتیب در آغاز قرن شانزدهم استقلال ایران از سه طرف در معرض خطر نابودی قرار گرفت.

۲- شاه اسماعیل و بنیاد سیاست خارجی صفویه

در این ایام تاریک بود که شاه اسماعیل صفوی توانست پس از مجاهدت و جنگهای متعدد وحدت ملی و استقلال ایران را پس از هشت و نیم قرن احیاء نماید .

شاه اسماعیل توانست با مساعدت نه قبیله ترک تبارکه به او دست بیعت داده بودند در تابستان سال ۱۵۰۰(۹۰۶ ه. ق) ارتشی به نام قزلباش تاسیس کند و آنگاه دعوی استقلال نماید. وی توانست پس از جنگ با آق‌قویونلوها در محلی به نام شرور (واقع در نخجوان) (۱۵۰۲) و شکست آنها ، فاتحانه وارد تبریز شود و در ۱۱ مارس ۱۵۰۲ تاج گذاری کند (۹۰۷ ه . ق) هدف شاه اسماعیل این بود که بساط ملوک الطوایفی را از ایران بر اندازد و به جای حکام و خوانین محلی یک حکومت مرکزی شیعه مذهب قوی بوجود آورد. لذا پس از استقرار در آذربایجان شروع به تسخیر سایر نقاط ایران و ترویج مذهب شیعه نمود . که این امر نیز پس از ۱۳ سال جنگ و ستیز تامین شد. شاه اسماعیل و جانشیانش با اجرای این سیاست واز بین بردن تمامی هرج و مرجهای داخلی توانستند اولاً ملت ایران را به وحدت و یگانگی رهبری نمایند ثانیاً با ایجاد مرکز مقاومتی در برابر ترکمان عثمانی نظر مهر و محبت اروپاییان را که دشمن ترکها بودند به سوی خود جلب نمایند و بتدریج باب روابط سیاسی و بازرگانی را با آنان مفتوح سازند . این دو اصل، بنیاد سیاست خارجی صفویه را طی دو قرن تشکیل می داد .

۳-روابط شاه اسماعیل با با خوانین ازبک

همزمان با قیام شاه اسماعیل در ایران ، محمد شیبانی معروف به شبیک خان که از نوادگان چنگیز خان بود در ترکستان علم استقلال بر افراشت و در سال ۱۵۰۱ با تسخیر سمرقند حود را پادشاه ترکستان نامید . شبیک خان که در مذهب تسنن بسیار متعصب بود و پیروان مذهب شیعه را دشمن می دانست شروع به دست اندازی به نقاط مختلف ایران خصوصاً در شرق کرد .

در مقابل این اقدامات، شاه اسماعیل در بهار سال ۱۵۱۰ به جمع آوری سپاه مشغول شد و به تعقیب وی پرداخت . شاه اسماعیل و سپاهیانش توانسته شبیک و لشکرش را در قریه محمود آباد گرفتار کرده و در دوم دسامبر ۱۵۱۰ وی را به قتل برساندند با مرگ شبیک خان سراسر خراسان و هرات و قندهار و مرو وجیحون به دست شاه اسماعیل افتاد و وی مذهب شیعه را در ولایت مزبور مذهب رسمی اعلام کرد .

۴- روابط با عثمانی در آغاز دولت صفوی

هنگام جلوس شاه اسماعیل، با یزید دوم فرزند سلطان محمد فاتح در کشور عثمانی سلطنت می کرد (۱۴۸۱-۱۵۱۲) این سلطان همواره به پادشاه صفوی به چشم بد گمانی و خصومت می نگریست و امیران آق قریونلو را بر علیه وی تحریک می نمود . شاه اسماعیل نیز به ظاهر با وی دوستی می کرد و در همان حال صفوییان و مریدان خود را در خاک عثمانی به تاخت و تاز و قتل سنی مذهبان تحریک می کرد ولی با یزید که پیرو فرسوده بودو در داخل کشور نیز با مشکلات فراوانی روبرو بود نمی توانست در برابر این اقدامات کاری بکند و این وضع تا پایان سلطنت وی ادامه داشت .

۵- جلوس سلطان سلیم و تیره شدن روابط بین دو کشور

در آوریل۱۵۱۲ (۹۱۸ ه. ق)شاهزاده سلیم به کمک سربازان ینی چری علیه پدرش قیام کرد و قسطنطنیه (استانبول) را تسخیر نمود . با یزید به ناچار سلطنت را به سلیم سپرد و خودش یک ماه بعد به طرز مر موزی در گذشت. سلطان سلیم در آغاز سلطنت خود به کشتن برادران و برادر زادگان خود که مدعیان سلطنت بودند پرداخت و فقط یکی از برادر زادگان وی به نام شاهزاده مراد موفق شد با ده هزار قشون سوار به ایران پناهنده گردد. شاه اسماعیل شاهزاده ی مزبور را مورد محبت قرار داد و حکومت قسمتی از ایالت فارس را به او سپرد، در این هنگام سلیم یکی از سرداران خود به نام عزت چاپین را به ایران فرستاد تا ضمن اینکه طبق مرسوم آن زمان پادشاه ایران را از جلوس خود رسماً آگاه سازد استراد شاهزاده را خواستار شود . شاه اسماعیل چون سلیم را غاصب تخت و تاز می دانست به تقاضای وی اعتنایی نکرد . سلطان سلیم نیز که قصد انتقامجویی از شاه اسماعیل را داشت به فکر جنگ با وی افتاد، از همین رو برای اینکه از بروز هرگونه خطری در شمال و غرب امپراتوریش جلوگیری کند . با دولتهای همسایه مسیحی اش معاهدات صلح منعقد کرد و موقتاً به جنگ و ستیز در جبهه‌ی غرب خاتمه داد .

۶- جنگ چالدران و شکست سپاه ایران

سپاه عثمانی مرکب از هشتاد هزار نفر سواره نظام ، چهل هزار پیاده و توپ خانه مجهز بود که در جلگه ی چالدران نزدیک خوی با سپاه بیست هزار نفری ایران که فقط از سوار ، نظام مسلح به شمشیرو تیر و کمان و نیزه تشکیل می شد و فاقد سلاحهای آتشین بود روبرو گردید . در ۲۳ اوت ۱۵۱۴ (۹۲۰ ه.ق) جنگی بین سپاهیان دو کشور رخ داد که به نبرد چالدران مشهور است . در این جنگ با وجود شجاعت و شهامتی که سرداران و افراد قزلباش از خود نشان دادند و عده ی زیادی از عثمانیها را به قتل رساندند ، در مقابل کثرت نفرات و آتش توپخانه ی عثمانی مجبور به عقب نشینی و سپس پراکنده شدند و شاه اسماعیل نیز که در قلب سپاهش شمشیر می زد از ناحیه بازو مجروح شد. پس از شکست ایرانیان ، قشون عثمانی به فرماندهی احمد

پاشاهرسکلی اوغلو تبریز را که بی دفاع بود به آسانی فتح کرد و خزائن و حرمسرای شاه اسماعیل به دست ترکان افتاد ، سلیم در ششم سبتامبر ۱۵۱۴ وارد تبریز شد . سلیم در راه مراجعت به خاک عثمانی ، نخجوان ، ایروان ، قارص و ارز روم را نیز تصرف کرد و در نوامبر ۱۵۱۴ به اردوگاه آماسیه رسید .

۷- پیشنهاد اتحاد با پرتغالیها علیه دولت عثمانی

آلبو کرک فرمانروای نیروهای پرتغالی هندوستان ، در بیستم فوریه ی ۱۵۱۵(۹۲۱ ه.ق) با بیست و شش فروند کشتی جنگی راه خلیج فارس را در پیش گرفت و شهر و قلعه ی هرمز را گلوله باران کرد و یکبار دیگر پرچم پرتغال را بر فراز قلعه ی آن بر افراشت . در این هنگام شاه اسماعیل که به شدت مشغول جنگ با عثمانیها بود نتوانست در مقابل قدرت نمایی پرتغالیها دست به اقدام جدی بزند ، لذا به استیلای پرتغالیها بر جزیره ی هرمز رضایت داد تا شاید، دولت وی را در نبرد با عثمانی یاری کند و به این جهت سفیری نزد آلبوکرک در جزیره ی هرمز فرستاد و پیشنهاد دوستی و اعتماد خود را بیان کرد. آلبوکرک به پیشنهاد شاه اسماعیل پاسخ مثبت داد و قرار دادی در اوت ۱۵۱۵ بین دو کشور منعقد گردید که بر طبق آن مقرر شد نیروی دریایی پرتغال به سپاه ایران در لشکر کشی به بحرین و قطیف و فرونشاندن اغتشاشات سواحل بلوچستان و مکران یاری کند و نیروهای دو دولت متفقاً با عثمانی‌ها بجنگند . در مقابل دولت ایران نیز از جزیره هرمز چشم بپوشد .البته این قرار داد چندان نتیجه ای نداشت و تنها نتیجه مثبت آن این بود که ایرانیها به کار بردن سلاحهای آتشین را از پرتغالیها آموختند و در دوران جنگهای بیست ساله ی زمان شاه تهماسب با عثمانی ، پرتغالیها مقداری تفنگ و وسایل جنگی جدید به ایرانیان دادند، به این جهت اولیای دولت عثمانی به دولت پرتغال به نظر خصومت می نگریستند .

۸-پیشنهاداتی به سلطان مصر و دولتهای اروپایی

شاه اسماعیل که بکلی از کنار آمدن با سلیم فاتح و کینه توز مایوس شده بود در سال ۱۵۱۶ (۹۲۲ ه. ق) سفیرانی نزد سلطان مصر و دولت جمهوری و نیز که هر دو در معرض تهدید عثمانیها بودند فرستاد که البته در این سفرها به دلیل شکست مصر از عثمانی (۱۵۱۷) و پیمان صلح و نیز با عثمانی پاسخ منفی دریافت نمودند .

۹- طرح اتحاد با امپراتور آلمان و اسپانیا

وقتی شاه اسماعیل از قدرت و عظمت شارلکن امپراتور آلمان مطلع شد در سال ۱۵۲۳ (۹۳۱ ه.ق) نامه ای را به زبان لاتین نزد امپراتور فرستاد و در آن پیشنهاد نمود که ارتش دو کشور از شرق و غرب به قلمرو دشمن مشترک حمله کنند و تا وقتی که به پیروزی نهایی نائل نشده اند از انعقاد پیمان صلح جداگانه با عثمانی خودداری نمایند.شارکلن در پاسخ به این نامه ، ضمن موافقت با پیشنهاد شاه اسماعیل مبنی بر اتحاد علیه دولت عثمانی آمادگی خود را برای شروع نبرد اعلام داشته بود اما ابن نامه بدلیل طولانی بودن مسیر، زمانی به تبریز رسید که متجاوز از یک سال از درگذشت شاه اسماعیل می گذشت و از قرار نامه ی وی به شاه تهماسب تسلیم شد .

از این تاریخ نامه های دیگری نیز بین شارکلن و شاه تهماسب و تا پایان جنگهای بیست ساله ی ایران و عثمانی ادامه داشت. در این نامه ها امپراتور مقتدر اسپانیا و آلمان به منظور جلب نمودن توجه عثمانیها به شرق و انصراف آنان از حمله به اروپا مرتباً سعی می کرد پادشاه ایران را تشویق و تحریک به جنگ با ترکها نماید و در واقع خود هیچ اقدام عملی را انجام نداد.

۱۰-آغاز جنگ های بیست ساله با دولت عثمانی

شاه اسماعیل در ۲۳مه۱۵۲۴ (۹۳۰ه.ق) در سن ۳۸ سالگی به مرض سل در گذشت و پسر ده ساله اش به نام شاه تهماسب به تخت سلطنت جلوس کرد و یک شورای نیابت سلطنت مرکب از سرداران قزلباش اداره کشور را بدست گرفت و از این تاریخ به

بعد قزلباشها قدرت و نفوذ پذیری زیادی پیدا کردند. در کشور عثمانی نیز سلطان سلیم در ۲۱ سبتامبر ۱۵۲۰(۹۲۶ه.ق)درگذشت و جانشین وی سلیمان قانونی که قدرت و نفوذ فوق العاده ای یافته بود قصد جهانگشایی و ادامه سیاست پدرش را داشت . این پادشاه که از مقتدرترین سلاطین عثمانی به شمار می رود به محض اطلاع از مرگ شاه اسماعیل نامه ی توهین آمیزی جهت شاه تهماسب فرستاد و وی رابه تسخیر و نابودی ایران تهدید کرد .

اما سلطان سلیمان ابتدا متوجه جنگ در صحیه ی اروپا شد . ابتدا ایالت مولدا وی را تصرف نمود ، سپس در جنگ موهاج پادشاه مجارستان را شکست داد و به هلاکت رسانید و وین را در ۱۵۲۹ در محاصره گرفت . سلیمان پس از انعقاد معاهده ی صلح با اتریش و مجارستان ، در ژوئن ۱۵۳۴ (۹۴۰ ه.ق) سپاه معظمی فراهم کرد و فرماندهی قسمت عمده آن را خودش عهده دار شد و ابراهیم پادشاه صدر اعظم خود را هم به فرماندهی قسمت دیگر آن منصوب کرد و به راهنمایی اولامه سلطان به خاک ایران تجاوز کرد . تجاوزی که بیش از بیست سال ادامه داشت .

۱۱- صلح آماسیه بین ایرانی و عثمانی

جنگهای خونین و خصومت ریشه داری که از ابتدای تاسیس سلسله ی صفویه بین ایران و عثمانی وجود داشت و خرابیهایی که جنگهای بیست ساله عهد شاه تهماسب به ایران وارد کرده بود پادشاه صفوی را وادار کرد که در سال ۱۵۵۲(۹۶۰ه.ق) پایتخت خود را که همواره در معرض خطر و اشغال عثمانیها بود از تبریز به قزوین منتقل کند .

شاه تهماسب به خوبی دریافته بود که قادر به مقابله و جلوگیری از تجاوزات مکرر عثمانیها نیست . لذا با آنان از صلح در آمد و شمس الدین بیگ ایلخانی رئیس قراولان خاصه ی خود را با نامه ای به بابعالی فرستاد. در کشور عثمانی هم عده ای از بزرگان و سرداران زمزمه ی مخالفت با لشکرکشیهای پرخرج و بیهوده به ایران را آغاز کرده و عقیده داشتند در صورتی که سلطان توجه خود را به سرزمینهای اروپا معطوف سازد به مراتب بهتر و سودمندتر از تصرف دشتهای خشک و بی آب و علف ایران خواهد داد.

در این شرایط وقتی سفیر ایران به اردوگاه آماسیه رسید سلیمان وی را به حضور پذیرفت و نامه شاه تهماسب را با حسن قبول تلقی کرد و آمادگی خود را برای انعقاد پیمان صلح اعلام داشت . بدین ترتیب بدون اینکه عهد نامه ی صلح رسمی بین دو کشور منعقد شود در ۱۰م ۱۵۵۵ (۹۶۲ه.ق)فقط با تعاطی مکاتبات صلح برقرار گردید که در تاریخ به نام صلح آماسیه مشهور است . به موجب این توافق آذربایجان غربی و قسمتی از کردستان و بین النهرین و قسمت شمالی گرجستان به دولت عثمانی واگذار گردید و در مقابل ارمنستان ، اردهان ، کارتیل ، کاخت و آذربایجان شرقی متعلق به ایران شناخته شد. از این تاریخ تا پایان سلطنت شاه تهماسب هر دو کشور به رعایت مفاد صلح آماسیه اهمیت زیادی قائل بودند.

۱۲- تسلیم شاهزاده با یزید به دولت عثمانی

در ماه مه ۱۵۵۹ (۹۶۶ه.ق) که چهار سال از انعقاد صلح آماسیه می گذشت شاهزاده با یزید کوچکترین فرزند سلطان سلیمان با برادرش سلیم اختلاف پیدا کرد و یاغی شد و چون در مقابل قشون پدرش شکست خورد به خاک ایران پناهنده شد .

شاه طهماسب در ابتدا وی را مورد ملاطفت قرار داد و از وی پذیرایی نمود . اما پس از چندی اطلاع حاصل کرد که شاهزاده قصد مسموم کردن وی را داشته است . از همین رو وی و چهار فرزندش را زندانی نمود . از طرفی نیز سلیمان نامه ای به شاه طهماسب نوشت و در آن تعهد کرد که هر گاه شاه ایران با یزید و پسرانش را به عثمانی تسلیم کند پیمان صلح آماسیه را همواره محترم خواهد داشت وگرنه صلح بین دو کشور به خطر خواهد افتاد. شاه طهماسب نیز برای آنکه از جنگ دیگری بین دو کشور جلوگیری کند در ۲۵ اکتبر ۱۵۶۱دستور داد شاهزاده با یزید را با چهار فرزندش در میدان اسب قزوین خفه کرده اجسادشان را به فرستادگان سلطان سلیم تسلیم کنند که با خودشان به استانبول ببرند و در ازای آن چهاصد هزار سکه طلا به عنوان پاداش دریافت نمود.

۱۳-شروع روابط با امپراتوری هند

در آوریل ۱۵۲۶(۹۳۲ه.ق) که دو سال از مرگ شاه اسماعیل می گذشت بابر با لشکری انبوه به هندوستان حمله ور شد و شمال آن کشور را تا حدود شهرهای دهلی و علیگر تصرف کرد و سلسله ی امپراتور گورگانی هند را که به مغول کبیر مشهور است بنیان گذاشت و همچنین از هرج و مرج پس از مرگ شاه اسماعیل استفاده نمود و در سال ۱۵۲۷ شهر مرزی قندهار را تصرف کرد و سه سال بعد در گذشت .

جانشین او محمد همایون شاه بود که از دوستداران و طرفداران ایران به شمار می رفت، در سال ۱۵۴۰ مواجه با شورش یکی از سرداران خود به نام شیر خان سوری شد و چون در مقابل حریف شکست خورد ناچار به ایران پناهنده گردید .اما شاه طهماسب به همایون شاه مساعدت کرد و در سال ۱۵۴۴ قوایی مرکب از سی هزار نفر در اختیار او گذاشت و همایون توانست به وسیله ی این نیرو ابتدا کابل را تصرف کند و در سال ۱۵۴۶ به هندوستان حمله نماید . همایون همواره سپاسگذار از مساعدت شاه طهماسب بود و وقتی بر تخت سلطنت نشست از شاه طهماسب خواست عده ای از دانشمندان و هنر مندان ایرانی را به هند بفرستد که شاه طهماسب نیز این تقاضا را پذیرفت. اما در عین حال که روابط صمیمانه ای بین دو کشور بوجود آمده بود شاه طهماسب نمی توانست تصرف قندهار را بوسیله هندیها بپذیرد – لذا در ۱۵۵۹ (۹۶۷ه.ق) قشونی به افغانستان فرستاد و قندهار را به آسانی پس گرفت . اکبر شاه (پادشاه بعدی) از این حادثه آزرده خاطر شد و مناسبات خود را با دربار ایران قطع کرد بطوری که حتی پس از مرگ شاه طهماسب سفیری برای عرض تسلیت به ایران نفرستاد.

۱۴-روابط با پرتغال تا پایان قرن شانزهم

در دوران سلطنت طولانی شاه طهماسب اول هیچگونه اقدامی از جانب دولت ایران برای استراد جزایر هرمز و قشم و کوتاه کردن دست پرتغالیها از خلیج فارس به عمل نیامد زیرا شاه طهماسب از یک طرف گرفتار حملات ازبک به ایالات شرقی و از طرف دیگر دچار جنگهای بیست ساله با ترکان عثمانی بود و فرصت آنکه توجهی به جنوب کند نمی یافت . مناسبات ایران و پرتغال در دوران سلطنت شاه طهماسب اول به ظاهر دوستانه بوده است و این رابطه تا اواخر حکومت صفویان ادامه داشته است .

۱۵-ورود اولین بازرگان انگلیسی به ایران

درسال ۱۵۶۱ آنتونی جنکینسون رئیس شرکت تجارتی مسکو تصمیم گرفت از راه قفقاز به ایران مسافرت نموده و با ایالات ساحلی بحر خزر روابط بازرگانی برقرار کند . جنکینسون برای استحکام کار خود از ملکه انگلستان معرفی نامه ای جهت شاه طهماسب گرفت و از راه حاجی طرخان عازم ایران شد . آنتونی جنکینسون در نوامبر ۱۵۶۲(۹۷۰ه.ق) در قزوین به حضور شاه طهماسب رسید و چون به آداب و رسوم ایرانیان آشنا نبود نتوانست مقصود خود را به خوبی بیان کند . شاه طهماسب هم که مایل به انجام تجارت با وی نبود مذاکره را قطع کرد و دستور اخراج وی را داد.

۱۶- تقاضای شاه طهماسب از سلطان مراد مبنی بر حمایت از سلطنت حیدر میرزا

شاه طهماسب در ژانویه ی ۱۵۶۷(۹۸۳ه.ق)چند ماه پیش از مرگ خود، محمدخان استاجلو ، بیگلربیگی ایروان را به سفارت، به در بار عثمانی فرستاد تا جلوس مراد سوم را تبریک بگوید (۱۵۷۴-۱۵۹۵) ضمناً چون از اختلافات و دشمنی شدید میان فرزندان خودش آگاه بود و پیش بینی می کرد که پس از مرگش بر سر سلطنت نزاع در خواهد گرفت از سلطان جدید تقاضا کرد با ولیعهدی پسر سومش حیدر میرزا که مورد توجه و علاقه اش بود موافقت و در صورت لزوم به او یاری کند .

خان استاجلو با دویست و پنجاه نفر همراهان و پانصد شتر باروبنه و هدایا عازم عثمانی گردید. سلطان مراد نیز سفیر ایران را با تشریفات و احترام فراوان پذیرفت و به تقاضای شاه طهماسب مبنی بر موافقت و مساعدت با سلطنت حیدر میرزا ولیعهد پاسخ مثبت داد .

۱۷-سلطنت شاه اسماعیل دوم و تیره شدن روابط ایران و عثمانی

شاه طهماسب اول پس از پنجاه و دو سال سلطنت در ۱۴ مه ۱۵۷۶ (۹۸۴ ه.ق) در گذشت و بین فرزندانش بر سر جانشینی در گیری شدیدی در گرفت . حیدر میرزا به قتل رسید و طرفداران اسماعیل میرزا ، وی را در ۲۶ ژوئیه ۱۵۷۶ به نام اسماعیل دوم در قزوین به تخت نشاندند . اسماعیل دوم شخصاً به مذهب تسنن تمایل داشت و در ترویج آن می کوشید ولی در عین حال به دولت عثمانی به چشم خصومت و بد بینی می نگریست و همواره نسبت به عثمانیها آشکار ابزار دشمنی می کرد . وی که دولت عثمانی را حامی و طرفدار برادر مقتولش حیدر میرزا می پنداشت همواره اصرار داشت که با دولت عثمانی واردجنگ شده و بغداد را تسخیر و در آن جا تاج گذاری کند ولی همواره با مانع سرداران قزلباشی روبه رو می شد . این اقدامات و اعمال غیر عاقلانه اسماعیل نیز در نهایت سبب شد که عده ای از سرداران قزلباش توطئه ی را ترتیب داده و در ۲۴ نوامبر ۱۵۷۷ وی را مسموم کردند و این پادشاه بد فرجام پس از یک سال و نیم سلطنت در گذشت.

۱۸-تجاوز ارتش عثمانی به خاک ایران

پس از در گذشت اسماعیل دوم سرداران قزلباش برادر وی محمد میرزای نابینا را به قزوین آورده و در ۱۴ فوریه ۱۵۷۸(۹۸۵ه.ق) به نام شاه محمد خدابنده بر تخت سلطنت نشاندند و در اثر ضعف جسما نی وی زمام امور را خود به همراه همسر وی مهد علیا به دست گرفتند و خود پادشاه در داخل حرمسرا به عبادت مشغول گردید. اختلاف نظربین مهد علیا و قزلباشها باعث شد تا بار دیگر هرج و مرج سراسر کشور را فرا گیرد و زمینه برای اجرای نقشه‌های تجاوز کارانه ی عثمانی که مترسد فرصت و حمله به ایران بود فراهم شود.

مصطفی پاشا وزیر عثمانی و فاتح قبرس با اگاهی از این اختلافات توانست در سال ۱۵۷۸ از قارص وارد قفقاز شود و پس از پیروزی در آنجا وارد تفلیس شد و از آنجا به شیروان رفت و آن ایالت را نیز به انضمام شهرهای شماخی و باکو و در بند را تصرف کرد و پس از آنکه تقریبا سراسر قفقاز را تحت سلطه ی خود در آورد برای گذراندن فصل زمستان به ارزروم مراجعت نمود.

۱۹-مذاکرات صلح که به شکست انجامید.

در ماههای اول سال ۱۵۷۹ (۹۸۷ ه ق) مهد علیا توانست سپاهی را فراهم کند وعازم قفقاز شده و در جنگی که با نیروهای عثمانی ترتیب داد موفق شود قسمت بزرگی از ایالت شیروان را مجددا به تصرف ایرانیان در آورد . با رویداد این واقعه ، سلطان مراد ، مصطفی پاشا را از فرماندهی کل سپاه معزول وسلطان پاشا را به جای او منصوب کرد . سلطان پاشا در اوت ۱۵۷۹به ارزروم رسید و به شاه محمد پیغام داد که حاضر است میان او و سلطان میانجیگری کند مشروط بر انکه دولت ایران از ایالت شکی و شیروان و قسمتی از گرجستان و آذربایجان چشم بپوشد و از سلطان عثمانی نیز عذر خواهی کند.

شاه محمد این شرط را پذیرفت و ابراهیم خان ترکمان حاکم قم را به ارزروم فرستاد.

سلطان مراد در ابتدا وی را پذیرفت و دستور داد مذاکرات برای انعقاد پیمان صلح آغاز گردد. اما در همان موقع خبر رسید که نیروهای عثمانی مجددا شیروان را پس گرفته اند به همین جهت عثمانیها مذاکرات را قطع کرده و به شاه محمد پیغام دادند که صلح در صورتی میسر است که ایران از تمامی ایالت به تصرف در آمده‌ی عثمانی چشم بپوشد و گرنه ارتش عثمانی به پیشروی خود ادامه خواهد داد.

۲۰-تصرف بقیه ایالات قفقاز و آذربایجان به دست ارتش عثمانی

عثمان پاشا صدر اعظم جدید عثمانی پس از تصرف بقیه ایالات قره باغ در ژوئن ۱۵۸۳ سان و رژه‌ی عمومی رادر اوت ۱۵۸۵ در ارزروم بر پا کرد و آنگاه به راهنمایی یک نفر ایرانی ، در راس سپاهی عظیم خود راه تبریز را پیش گرفت. و وی توانست به همراه لشکرش علیقلی خان حاکم نظامی تبریز را شکست داده و در ۱۷ سبتامبر ۱۵۸۵ (۹۹۳ه ق) تبریز را تصرف نماید و کشتار وحشتناکی را در انجا صورت دهد.

۲۱- قتل حمزه میرزا و وخیم شدن اوضاع کشور

پس از سقوط تبریز حمزه میرزا (ولیعهد) در ژانویه ۱۵۸۶ تصمیم گرفت تبریز را آزاد کند . به همین سبب حملات متعددی به حصار شهر کرد و تعداد زیادی از سربازان دشمن را به قتل رسانید . ولی به دلیل نداشتن سرداران لایق و توپخانه مجهز نتوانست قلعه ی تبریز را تسخیر کند، یک ماه بعد نیز ایرانیان در ساحل رود ارس به حمله پرداختند و ایروان و سلماس را پس گرفتند و ضربات شدیدی را به قوای عثمانی وارد ساختند.

با این رویداد، فرهاد پاشا سردار عثمانی بی در نگ پیغام صلح داد و چون حمزه میرزا پذیرفت، وی یکی از سران سپاه خود به نام آقاچاشنی گیر باشی را به اردوی ولیعهد فرستاد اما عده ای از سرداران قزلباش که مخالف صلح با عثمانی بودند توطئه ای ترتیب داده و در چهارم دسامبر ۱۵۸۶ (۹۹۵ه ق) حمزه میرزا را به طرز ناجوانمردانه ای به قتل رساندند بعد از این واقعه هرج و مرج شدیدی سراسر کشور را فرا گرفت و سپاه عثمانی توانست بسیاری از نقاط ایران را تصرف کند.

۲۲- جلوس شاه عباس اول و تقاضای کمک از دول همجوار

هنگامی که استقلال و موجودیت ایران در معرض انهدام بود یکی از چهره های درخشان تاریخ ایران یعنی شاه شاه عباس اول ظهور کرد و مشعل استقلال ایران را که در شرف خاموشی بود یکبار دیگر شعله ور ساخت شاهزاده عباس میرزا حکمران خراسان و هرات که در این موقع هجده ساله بود با مشاهده اوضاع به سوی قزوین رهسپار گردید و بدون هیچ گونه زد و خوردی پایتخت را تصرف کرد .

شاه عباس از ابتدای سلطنت خود تصمیم گرفت به نفوذ زیاده از حد سرداران قزلباش خاتمه و مقامات و مناصب موروثی آنان را منسوخ نموده و خود با قدرت کامل حکومت کند .

همچنین شاه عباس به زودی دریافت که به تنهایی قادر نخواهد بود از عهده‌ی ترکان عثمانی و ازبکها بر آید لذا تصمیم گرفت از هندیها در مقابل از بکان و از روسها در برابر عثمانیها یاری بخواهد البته فکر کمک خواستن از هند و روسیه از زمان محمد شاه در میان زمانداران ایران به وجود آمده بود . شاه عباس در سال ۱۸۵۹ یکی از سرداران قزلباش به نامه سلطان روملو را با نام و هدایایی نزد اکبر شاه فرمانروای هند فرستاد و از وی در مقابل ازبکان تقاضای مساعدت کرد. اکبر شاه در پاسخ به این نامه با توجه به موقعیت مشکلی که هند داشت ، جنگهای کشمیر و کشمکشهای داخلی هند و همچنین روابط دوستانه خود با عبید الله خان ازبک را متذکر گردیده و تلویحاً دخالت در جنگ و کمک به ایران را رد کرد . روسها نیز در پاسخ به سفیر ایران برای کمک در جنگ با عثمانی جواب قطعی ندادند و آنرا به بعد موکول کردند.

۲۳-معاهده ی صلح استانبول

در خلال مدتی که شاه عباس سر گرم مذاکره با هندیها و روسها برای دریافت کمک نظامی بود ارتش عثمانی از فرصت استفاده کرده و لرستان و خوزستان را هم تصرف کرده تا حدود نهاوند و همدان پیشروی نمود . شاه عباس که از همکاری سرداران قزلباش و مساعدت دول همجوار مایوس شده بود ناچار تن به قبول شرایط سنگین عثمانیها داد و حاضر به انعقاد قرار داد صلح شد در واقع منظور شاه عباس این بود که با این تاکتیک چند سالی برای تجدید قوای ایران و استرداد سر زمینهای از دست رفته مهلت بدست آورد .

به موجب عهد نامه صلح استانبول ۲۱ مارس ۱۵۹۰ (۹۹۹ه.ق) شهر تبریز با قسمت غربی آذربایجان و ایالات ارمنستان و شکی و شیروان و گرجستان و قرا باغ و قسمتی از لرستان با قلعه ی نهاوند در دست عثمانیها باقی ماند و مقدر شد از آن پس ایرانیان از لعن خلفای سه گانه و ام المومنین عایشه خودداری کنند و شاهزاده حیدر میرزا به عنوان گروگان در دربار عثمانی باقی بماند . شاهزاده حیدر میرزا تا سال ۱۵۹۶(۱۰۰۵ ه.ق) در استانبول می زیست و در آن سال به مرض طاعون در گذشت .

خلاصه فصل

در آغاز قرن شانزدهم میلادی و در حالی که ایران مورد تاخت و تاز همسایگان قدرتمند خویش قرار گرفته بود و حدت و استقلال در ایران در معرض خطر نابودی قرار داشت، یکی از فرزندان با ایمان و میهن پرست ایران به نام شاه اسماعیل صفوی قد مردانگی را برافراشت و با دست زدن به یک سری از جنگهای متناوب توانست مهاجمان داخلی و خارجی راعقب رانده نواستقلال ایران را پس از هشت و نیم قرن تاریکی و تزلزل احیاء نموده و یک حکومت مرکزی قدرتمند با مذهب رسمی شیعه راتأسیس نماید. پس از تأسیس حکومت نیزدشمنان ازبک وعثمانی و همچنین پرتغالیها که در جنوب ایران تصرفاتی را در اختیار داشتند به دشمنی با ایران پرداخته و هراز گاهی به مرزهای ایران تجاو.ز نموده و امنیت آن را با چالش‌های اساسی روبرو می‌ساختند. در همین راستا بود که شاه اسماعیل با گردآوری سپاهی متشکل از قزلباش‌ها به مقابله با آنها پرداخته و آنها را به عقب راند. در بسیاری از این جنگها پیروز شده و در برخی از آنها ننیز همجون جنگ با عثمانی در چالدران، علی‌رغم تلاش فراوان سپاهیان با شکست روبرو میشد.

پس از وی نیز این مشکلات خصوصاً با عثمانی ادامه داشت بطوریکه شاه تهماسب پس از یک سری جنگهای متناوب که متجاوز از بیست به طول انجامید به ناچار مجبور به صلح با آنها در منطقه آماسیه گردید. صلحی که تنها با القاطی مکاتب شکل گرفت و هیچ سند رسمی رد و بدل نشد (۱۵۵۵) اما توانست برای مدتهای مدیدید صلح را به ارمغان آورد.

ولیکن با مرگ وی و در حالی که ایران، بدلیل ناکفایتی جانشینان دچار آشوب و بلوا شده بود، عثمانیها صلح آماسیه را به فراموشی سپرده و به صورت مکرر به ایران نتجاوز نموده و استقلال ایران را در معرض خطر نابودی قرار دادند.

در همین زمان بود که شاه عباس بر تخت سلطنت نشست و برای انکه بتواند از پس عثمانیها برآید در معاهدهٔ صلحی مصلحتی بهنام استانبول (۱۵۹۰) به طور موقت خود را از دست عثمانیها خلاص کرد و به سازماندهی ارتش و کشور پرئداخت و نمایندگانی را نیز برای دول اروپایی در همراهی با ایران برای جنگ با عثمانی فرستاد.

تست‌های آخر فصل

۱- شاه اسماعیل برای مقابله با عثمانیها به کدام کشور پیشنهاداتی داد؟

۱) انگلستان ۲) پرتغال ۳) هند ۴) روسیه

۲- سرانجام جنگهای بیست‌ساله شاه تهماسب با عثمانیها چه صلحی بود؟

۱) صلح استانبول ۲) صلح ایروان ۳) صلح آماسیه ۴) صلح ازمیر

۳- روابط شاه اسماعیل دوم با عثمانی‌ها به چه شکلی بود؟

۱) خصمانه بود ۲) آرامش برقرار بود. ۳) در حال جنگ بودند ۴) روابط قطع بود.

۴- مناسبات ایران و پرتغال در زمان شاه تهماسب اول چگونه بوده است؟

۱) دوستانه بود. ۲) خصومت و بدبینی ۳) در حال جنگ بودند ۴) رابطه‌ای نداشتند.

۵- اولین بازرگان انگلیسی در زمان کدام پادشاه صفوی وارد ایران شد؟

۱) شاه اسماعیل اول ۲) شاه اسماعیل دوم ۳) شاه تهماسب ۴) شاه عباس اول

۶- روابط ایران و امپراتوری هند در زمان کدام یک از پادشاهان صفوی برقرار شد؟

۱) شاه تهماسب ۲) شاه عباس اول ۳) شاه عباس دوم ۴) شاه حسین

۷- جنگ چالدران در زمان کدام پادشاهان ایران و عثمانی روی داد و کدام کشور توانست به پیروزی برسد؟

۱) شاه اسماعیل اول و سلطان مراد – ایران ۲) شاه اسماعیل سومو سلطان سلیم عثمانی

۳) شاه اسماعیل اولا و سلطان سلیم – عثمانی ۴) شاه اسماعیل اول و سلطان سلیم – ایران

۸- پیشنهاداتحاد باامپراتوران آلمان و اسپانیا بر علیه عثمانی، نخستین بار توسط کدام پادشاه صفوی صورت پذیرفت؟

۱) شاه اسماعیل اول ۲) شاه تهماسب ۳) شاه عباس اول ۴) شاه صفی

۹- کدام پادشاه صفوی پایتخت ایران را از تبریز به قزوین منتقل کرد؟

۱) شاه اسماعیل اول ۲) شاه تهماسب ۳) شاه عباس اول ۴) شاه صفی

۱۰- معاهده صلح استانبول در زمان کدام پادشاه صفوی به امضاء رسید؟

۱) شاه اسماعیل اول ۲) شاه تهماسب ۳) شاه عباس اول ۴) شاه صفی

پاسخ تست‌های آخر فصل

۱ - گزینه «۲»

۲ - گزینه «۲»

۳ - گزینه «۳»

۴ - گزینه «۴»

۵ - گزینه «۱»

۶ - گزینه «۴»

۷ - گزینه «۴»

۸ - گزینه «۲»

۹ - گزینه «۲»

۱۰ - گزینه «۳»

فصل دوم

دوران شکوه و عظمت

از استرداد سرزمینهای از دست رفته تا عهد نامه ی صلح قصر شیرین (۱۵۹۸-۱۶۳۹)

۱- شکست ازبکها و نجات خراسان و هرات

شاه عباس پس از انعقاد معاهده ی صلح با عثمانیها آماده ی نبرد با ازبکها شد ولی نـا خوشـی شـدیدی کـه در سـال ۱۵۲۹ در تهران عارضش شد مانع از حرکتش به خراسان گردید.

شاه عباس در سال ۱۵۹۵ (۱۰۰۴ ه.ق) سپاهی را فراهم و به سوی خراسان روانه گردید. خان ازبـک پـس از شـنیدن خبـر حمله ی شاه عباس ، به مشهد و سپس بلخ گریخت و از آن جا نامه ای برای شاه فرستاد که در نهایت بی ادبی او را عباس میرزا خوانده و نوشته بود بهتر است از خراسان چشم بپوشد و به متصرفات خود قناعت کند . از این تاریخ تا سال ۱۵۹۷ که عبیـد الله در گذشت قسمتی از خراسان در دست ازبکان بود و شاه عباس نیز مشغول به مطیع ساختن یاغیان گـیلان و مازنـدران اشـتغال داشت اما همینکه خبر مرگ عبید الله خان به شاه عباس رسید با سپاهی از قزوین خارج شد و عازم خراسان گردید. شاه عبـاس مشهد را به آسانی تصرف کرد و عـازم هـرات گردیـد و آنجـا را نیـز تـصرف و سراسـر خراسـان را از وجـود ازبکـان پـاک کـرد ۱۵۹۸(۱۰۰۶هـ ق)

۲- اصلاح سازمانها لشکری و کشوری

در سال ۱۵۹۸ (۱۰۰۷ ه.ق) دو نفر از نجیب زادگان انگلیسی به نام سر آنتولی شرلی و رابرت شرلی به همراهی بیست و پنج نفر انگلیسی دیگر از راه ونیز و حلب و بغداد به قزوین وارد شـدند. بـرادران شـرلی در خـدمت ارل آف اسـکس از سـرداران مقتـدر انگلستان بودند و به دستور وی که از دشمنی ایران و عثمانی اطلاع یافته بود ماموریت یافتند برای جنگ با عثمانیها خـود را در اختیار دولت ایران قرار دهند، و ضمناً برای بازرگانان انگلیسی امتیازاتی بگیرند و هیئت مزبور از طـرف دولـت ایـران بـه گرمـی پذیرفته شد و شاه عباس از وجود بردران شرلی در تجدید سازمان ارتش خود استفاده کرد .

در عین حال شاه عباس اقداماتی را برای تجدید سازمان کشوری به عمل آورد. وی اساس حکومت خود را بر تمرکز قوا قرار داد ، کلیه ی قوا و امتیازات از شاه ناشی می شد و مامورین دولتی از طرف او نصب و عزل می شدند .امور ایالات و ولایت نیز بـا فرمانداری بود که به ترتیب منصب آنان را والی ، بیگلر بیگی ، خان و سلطان می نامیدند .

از این تاریخ شاه عباس تصمیم به جنگ با عثمانیها گرفت . لذا پایتخت خود را از قزوین که فاصله چندانی بـا خـط جبهـه نداشت به اصفهان منتقل کرد و سپس به تهیه ی مقدمات جنگ پرداخت .

همچنین به پیشنهاد سر آنتولی شرلی موافقت کرد که هیئت سفارتی را به دربارهای سلاطین اروپایی اعـزام و بـا بعـضی از دول مزبور مناسبات سیاسی بر قرار کنند و علیه دشمن مشترک پیمان اتحاد ببندند تا در این ماجرای بـزرگ و جنـگ عظیمـی که با عثمانی در پیش است تنها نباشد.

۳- سفارت شرلی و حسینعلی بیگ در روسیه

در نهم ژوئیه ۱۵۹۹(۱۰۰۷ ه.ق) سر آنتولی شرلی و حسینعلی بیگ بیات در راس هئیتی ، جهت سلاطین اروپایی از اصفهان به سوی اروپا رهسپار شدند وشاه عباس شخصاً آنان را تا خارج شهر بدرقه کرد . هئیت اعزامی دو ماموریت مهم داشت ، اولاً با کشورهای اروپایی روابط سیاسی بر قرار و علیه دولت عثمانی با آنان پیمان اتحاد ببندند ثانیاً برای ابریشم ایران بازار یابی کنند . هیئت اعزامی پس از سه ماه به حاجی طرخان رسید و مورد استقبال فرستادگان تزار قرار گرفت .

شاه عباس از ابتدای سلطنت خود اهمیت زیادی به روابط سیاسی بازرگانی با دولت همسایه شمالی می داد و در ده ساله اول سلطنت خود اقدامات متعددی جهت گسترش این روابط به عمل آورده بود . پیشنهاد همکاری مشترک ایرانی و روسیه برای جنگ با عثمانی مورد قبول تزار قرار گرفت و وی در سال ۱۵۹۷ پرنس توفیاکین را در راس هیئتی ۷۵ نفری به ایران فرستاد تا قرار داد مودت و کمک نظامی متقابل را امضا کند اما هیئت مزبور در دریای خزر دچار وبا شدند و بسیاری از آنها مردند . از این رو موضوع انعقاد قرار داد به تعویق افتاد .

۴- ماموریت شرلی و حسینعلی بیگ در اروپا

هیئت سفارت ایران پس از یک ماه و نیم دریا نوردی به پراگ رسید و مورد استقبال امپراتور قرار گرفت . اما امپراتور اتریش پیشنهادات شاه عباس را درباره ی اتحاد بر ضد عثمانی با احتیاط تلقی کرد و سعی زیادی کرد که سفرای ایران را از رفتن به دربار سایر پادشاهان اروپا باز دارد ولی شرلی زیر بار نرفت و در بهار سال ۱۶۰۱ راهی ایتالیا شد . در آن جا نیز، شرلی تا ژوئیه ۱۶۰۱ در رم ماند ولی در این تاریخ حسینعلی بیگ بطور مخفیانه با دو نفر از همراهان خود به ونیز رفت و از همراهی هیئت خوددرای کرد . علت اصلی این اقدام درست معلوم نیست . اما حسینعلی بیگ پس از دو ماه اقامت در دربار پاپ به همراهی یکی از کشیشان عالیمقام از راه جنوب فرانسه عازم اسپانیا گردید . فیلیپ سوم سفیر ایران را به حضور پذیرفت ونسبت به پیشنهادات شاه عباس مبنی بر اتحاد علیه دولت عثمانی اظهار علاقه کرد و قول داد به زودی سفیری به دربار ایران بفرستد . در این هنگام حسینعلی بیگ نیز به ایران باز گشت. بایستی یاد آورشویم که در طی مسافرت هیئت اعزامی ایران به کشورهای اروپایی هیچگونه سند سیاسی و پیمان و اتحادی امضا نشد و ایران فقط به تسلیم نامه هدایا و بسنده کردند اما همین امر مقدمه ای برای توسعه روابط سیاسی با دول مزدور بود بطوری که چندی بعد سفرای اتریش و اسپانیا و پاب به ایران آمدند .

۵- حمله ی شاه عباس به آذربایجان و اخراج عثمانیها از خاک ایران

پانزده سال تمام از جلوس شاه عباس به تخت سلطنت گذشت تا اینکه او خود را آنقدر قوی دید که بتواند با سلطان عثمانی مقابله کند و با وی وارد جنگ شود . در دوره ی سلطنت سلطان محمد دوم قدرت دولت عثمانی به واسطه ی جنگهای پی در پی با اتریش و شورش فرقه ی جلالی در آسیای صغیر رو به ضعف گذاشت و سلطان محمد که اصولاً طبعی ضعیف داشت اقدامی برای حفظ و حراست سرزمینهای اشغالی خود در شرق و تقویت قشون خود در آذربایجان بعمل نیاورد . به این جهت شاه عباس که از پشتیبانی معنوی دولتهای روسیه و اتریش مطمئن شده بود تصمیم به حمله گرفت . تجاوز پادگان عثمانی در تبریز به شهر سلماس بهترین بهانه را جهت وارد کردن ضربه ناگهانی به قشون اشغالگر را داد. لذا شاه عباس در اول کتبر ۱۶۰۳ (۱۰۱۲ ه.ق)خود را به تبریز رساند و علی پاشا فرمانده ترک را که مطلقاً انتظار حمله ای را نداشت غافلگیر کرد . شاه عباس توانست در سال ۱۶۰۶ نیز به قفقاز حمله کرد. و اردوباد و ایروان و تفلیس را گرفت . با تصرف باکو در ۱۶۰۷ و شماخی در مارس ۱۶۰۸ (۱۰۱۶ه.ق) عملیات نظامی شاه عباس خاتمه یافت و به اصفهان مراجعت کرد. در نتیجه پیروزی‌های درخشان شاه عباس سراسر آذربایجان، قفقاز ، کردستان و شمال بین النهرین به دست ایرانیان افتاد و لکه شکست و بد نامی پاک شد . عامه ی مردم از تصرف عتبات عالیات خوشوقت شدند و این امر باعث ارضای احساسات مذهبی آنان گردید.

۶- مذاکرات صلح و عهد نامه ی دوم استانبول

پس از این پیروزی ها ، شاه عباس پیغام داد چون دیگر دلیلی برای جنگ بین دو کشور وجود ندارد . حاضر به بر قرار صلح می باشد ،سلطان عثمانی نیز که خود را در برابر قدرت ایرانیان ناتوان می دید مخالفتی با پیشنهاد شاه ننمود . وقتی زمینه‌ی انعقاد صلح از هر جهت فراهم شد شاه عباس قاسم بیگ سپهسالار را به دربار عثمانی فرستاد و وی را مامور امضای قرارداد او صلح کرد . این قرار داد در ژوئیه ی ۱۶۱۳(۱۰۲۲ه.ق) بین وی و نصوح پاشا صدراعظم جدید عثمانی به امضا رسید و به موجب آن عثمانیها از هر گونه ادعایی در مورد آذربایجان و کردستان و لرستان و خوزستان صرفنظر نمود و قبول کردند سرحدات بین دو کشور به همان صورتی که در زمان سلطان سلیمان قانونی بوده باقی بماند و از کلیه ی فتوحات بعدی خود صرفنطر نمایند .

در مقابل شاه عباس تعهد کرد بین النهرین را تخلیه وبه عثمانیها واگذار کند و هر سال دویست خروار ابریشم نیز به باب عالی تحویل دهد . این قرارداد به قرارداد عهد نامه ی دوم استانبول مشهور است .

به این ترتیب دورهٔ اول جنگهای ایران و عثمانی در عصر شاه عباس که مجموعاً ده سال به طول انجامیده بود خاتمه یافت . اما عمر عهد نامه ی استانبول سه سال بیشتر نبود. چرا که در سال ۱۶۱۶ طهمورث خان والی گرجستان علم طغیان را بر افراشت و به قره باغ حمله کرد . شاه عباس چون از این خبر مطلع شد سپاهی را به گرجستان فرستاد . طهمورث خان شکست خورد و به خاک عثمانی پناهنده شد سلطان عثمانی نیز سپاهی را در اختیار وی گذاشت تا ایشان به قفقاز حمله برده و آن را متصرف گردد. با این اتفاق شاه عباس خود در راس سپاهیانش عازم گرجستان شد و یاغیان را به مجازات رسانید اما در همین هنگام اطلاع یافت که ارتش عثمانی به مرزهای ایران در ارمنستان تجاوز کرده است به همین دلیل سپاه شاه عباس راهی ایروان شد و در نبرد سنگینی سپاه عثمانی را شکست داد .

به این ترتیب یکبار دیگر ترکها یقین کردند که از پس ارتش منظم و قوی ایران بر نمی‌آیند و لذا با اکراه حاضر به مذاکرات شدند . مذاکرات منجر به انعقاد عهد نامه صلح ایروان در ۱۶ سبتامبر ۱۶۱۸ (۱۰۲۷ ه.ق)گردید که همان مواد و شرایط عهد نامه دوم صلح استانبول را تائید می کرد با این تفاوت که قرار شد به جای دویست خروار ابریشم فقط صد خروار به عثمانیها داده شود و آنها هیچگونه ادعایی به ایالات قفقاز نداشته باشند .

۷- اولین ماموریت رابرت شرلی در اروپا

رابرت شرلی به علت خدمات گرانبها و شجاعتی که در جنگ با عثمانیها از خود نشان داده بود به فرماندهی قسمتی از ارتش ایران منصوب و مورد توجه خاص شاه اسماعیل قرار گرفته بود. در سال ۱۶۰۸ که شاه عباس سرگرم نبرد با عثمانیها بود تصمیم گرفت وی را به سفارت به دربارهای اروپایی بفرستد تا شاید او بتواند دول مزبور را وادار به جنگ قطعی در جبهه ی غرب بنماید که البته هیچ کدام آنها مثمر ثمر نبود.

۸- شروع اختلافات بین ایران و اسپانیا

پادشاه اسپانیا در نامه ی خود فتوحات شاه عباس را در جنگ با عثمانی تبریک گفته و متذکر شده بود که نیروی دریایی او هم در مدیترانه خسارات زیادی را به عثمانیها وارد ساخته است و از شاه عباس خواسته بود کشور اسپانیا را از آن خود بداند و چون میان دو پادشاه دوستی بر قرار است اجازه ندهد زیر دستانشان بر خلاف اصول مودت با یکدیگر جنگ و ستیز کنند . فیلیپ سوم از اقدام امامقلی خان در اعزام قشون به بحرین شکایت و اظهار امیدواری کرده که شاه ایران لطف و محبت خویش را از روحانیون مسیحی که به ایران می آیند دریغ ندارد .

لازم به تذکر است که دلیل این نامه گزارشی بود که حکمران پرتغالی جزیره ی هرمز در مورد تصرف بحرین به وسیله ی ایرانیان به فیلیپ سوم رسانیده بود که این امر به شدت ، پادشاه اسپانیا را عصبانی کرده بود . توضیح آنکه در سال ۱۶۰۲ حاکم بحرین علم استقلال را بر افراشت . و به کمک ایرانیان آنجا را متصرف نمود .